

سفر به سرزمین یوزپلنگ ها؛ نامیبیا

گزارش شرکت در دوره آموزشی
بین المللی حفاظت از یوزپلنگ

۲۷ مهر لغایت ۲۸ آبان ۱۳۸۷

آرش صادقی
علیرضا مهدوی
محمدصادق قره‌آبادی نیا
صبا سهرابی نیا
فاطمه حسینی روارثی

THE HOWARD G. BUFFETT
FOUNDATION



سفر به آفریقا، شاید جزو بزرگترین آرزوهای هر انسان علاقه مند به حیات وحش باشد. ما نیز دیر زمانی بود که آرزوی دیدن قاره سیاه و جانوران شگفت انگیزش را در سر می پروراندیم. و این آرزو بالاخره در ۲۷ آذرماه سال جاری به واقعیت بدل گشت و در قالب یک جمع ۵ نفری از انجمن یوزپلنگ ایرانی و همچنین نمایندگان از سایر تشکلهای ایرانی در غالب یک دوره تخصصی در زمینه حیات وحش به کشور نامیبیا سفر کردیم. میزبان این سفر، Cheetah Conservation Fund (CCF) (بنیاد جهانی حفاظت از یوزپلنگ) و به مدت یک ماه بود تا طی آن تکنیکهای و مفاهیم مربوط به تحقیق و حفاظت از یوزپلنگ و سایر گوشتخواران آموزش داده شود. در این دوره شانزده نفر شرکت کرده بودند که شامل نه نفر ایرانی و بقیه از کشورهای آفریقایی از قبیل کنیا، سودان، بنین، بوتسوانا و زامبیا بود.



اعضای تیم اعزامی انجمن یوزپلنگ ایرانی در دوره تخصصی در مقابل سردر ورودی CCF

برای رفتن به نامیبیا، پروازی طولانی انجام گرفت، نخست از تهران به قطر (۲ ساعت)، سپس پس از یک توقف چند ساعته از قطر به ژوهانسبورگ (۸ ساعت) و دوباره پس از یک توقف چندین ساعته از ژوهانسبورگ به ویندهوک (۲ ساعت). لازم به ذکر است که فرودگاه ژوهانسبورگ بسیار بزرگ، زیبا و دارای طراحی مدرنی بوده و بسیاری از سفرها به کشورهای



همسایه نیز از طریق این فرودگاه انجام می شود. مهمترین چیزی که نظر از بازدیدکننده ای را در نگاه نخست به خود جلب می نماید، انواع صنایع دستی زیبای این کشور و پوشاکهایی است که روی اغلب آنها نقوش زیبایی از حیات وحش دیده می شود.

نامیبیا کشور بزرگی است که در جنوب غربی قاره آفریقا واقع شده است. کشورهای آفریقای جنوبی (در جنوب) آنگولا و زامبیا در شمال و بوتسوانا (در شرق) از همسایگان آن به شمار می روند و در غرب به آبهای آزاد (اقیانوس اطلس) منتهی می شود. برخلاف تصور همیشگی مان که نامیبیا را بواسطه بیابان نامیب خشک و سوزان تصور می کردیم، این کشور را بسیار سبزتر یافتیم. اغلب قسمت‌های خاک این کشور پوشیده از درخت اکاسیا به همراه سایر درختچه های مشابه بود که يك منظره بی‌شبه ای را به آن داده بود. نامیبیا دارای سه فصل مشخص می باشد:

گرم و مرطوب *November – April = Wet season*

سرد و خشک *May – August = Cold season/dry*

گرم و خشک *August – November = Hot/ dry*

که بیشترین بارندگی در فصل گرم و مرطوب رخ می دهد. نامیبیا هشتصد و بیست و چهار هزار کیلومتر مربع وسعت دارد (تقریباً نصف ایران). این کشور جمعیت چندانی ندارد (دو میلیون و صد هزار نفر). علاوه بر مردم بومی که سیاه پوست می باشند، حدود ۱۰٪ از جمعیت آن را نیز اروپاییان تشکیل می دهند بطوریکه ابتدا آلمانی ها و بعد از آن هلندی ها و انگلیسی ها بالاترین جمعیت را دارند. زبان رسمی کشور، انگلیسی است. و معماری شهرها اروپایی (عمدتاً آلمانی) است. پایتخت این کشور شهر ویندهوک می باشد که در حدود ۲۶۰ هزار نفر جمعیت دارد. کشور نامیبیا در سال ۱۹۹۰ از آلمان استقلال پیدا کرده است. روی لباس ها، اسکناس ها، سکه ها و صنایع دستی این کشور می توان طرح هایی از حیوانات را مشاهده کرد. معدن، ماهیگیری، توریسم و کشاورزی به ترتیب صنایع و مشاغل مهم نامیبیا هستند. سالانه یک میلیون توریست از این کشور دیدن می کنند. واحد پول این کشور دلار نامیبیا است که تقریباً معادل ۱۰۰ تومان می باشد. نکته قابل توجه این که درصد بسیار بالایی از ماشین ها در پایتخت و سایر شهرها ساخت کارخانه تویوتا و عمدتاً ماشین های دو دیفرانسیل با فرمان راست می باشد که تمامی آنها دارای موتور دیزلی می باشد. قیمت هر لیتر گازوییل در نامیبیا هزار تومان و بنزین کمی ارزان تر هر لیتر نهصد تومان است.

سفر ما با يك اقامت ۴ روزه در یک مرکز اقامتی، تفریحی به نام Arrebusch در حاشیه شهر ویندهوک آغاز شد که در این مکان، آموزش های اولیه ای در خصوص مبانی حفاظت از حیات وحش به شکل تئوری و ارائه مقالات و پروژه های انجام شده توسط گروه های شرکت کننده داده شد. بطور کلی این دوره شامل آموزش های عملی و تئوری بود. مدیریت حیات وحش، بررسی مشکلات، راهکارها، برآورد جمعیت، پوشش گیاهی، شکار غیر مجاز، دام های اهلی، آنالیزهای آماری، ژنتیک، رادیوتله متری و ...

در ادامه و از روز پنجم به بعد عازم مرکز CCF شدیم. در کلیه مسیرها و جاده ها، بیشه زارها و مزارع توسط فنس ها محصور شده و از هم جدا شده اند که اصطلاحاً به آنها قرق Conservancy گفته می شود و توسط جوامع محلی حفاظت می شوند. از سال ۱۹۹۵ راه اندازی و مدیریت این قرق ها در نامیبیا شروع به فعالیت کرده و هم اکنون پنجاه و دو قرق در نامیبیا وجود دارد. فنسها نه تنها حد و حدود مزارع را مشخص می کند بلکه برای جلوگیری از خروج دام نیز ایجاد شده اند. فنسها دو نوع بودند. یک نوع کوتاه و یک لایه که صرفاً به منظور جداسازی قرقها بوده و از خروج دام نیز جلوگیری می کردند. نوع دوم را فنسهای بلند تشکیل می دادند که دو لایه بوده و برای جلوگیری از تردد حیات وحش ایجاد شده بودند. نکته جالب توجه در مورد فنسهای کوتاه این بود که کودها در هنگام فرار معمولاً به راحتی از روی فنس ها می پریدند ولی اوریگس ها توانایی پرش نداشته و معمولاً از زیر فنس ها رد می شدند.



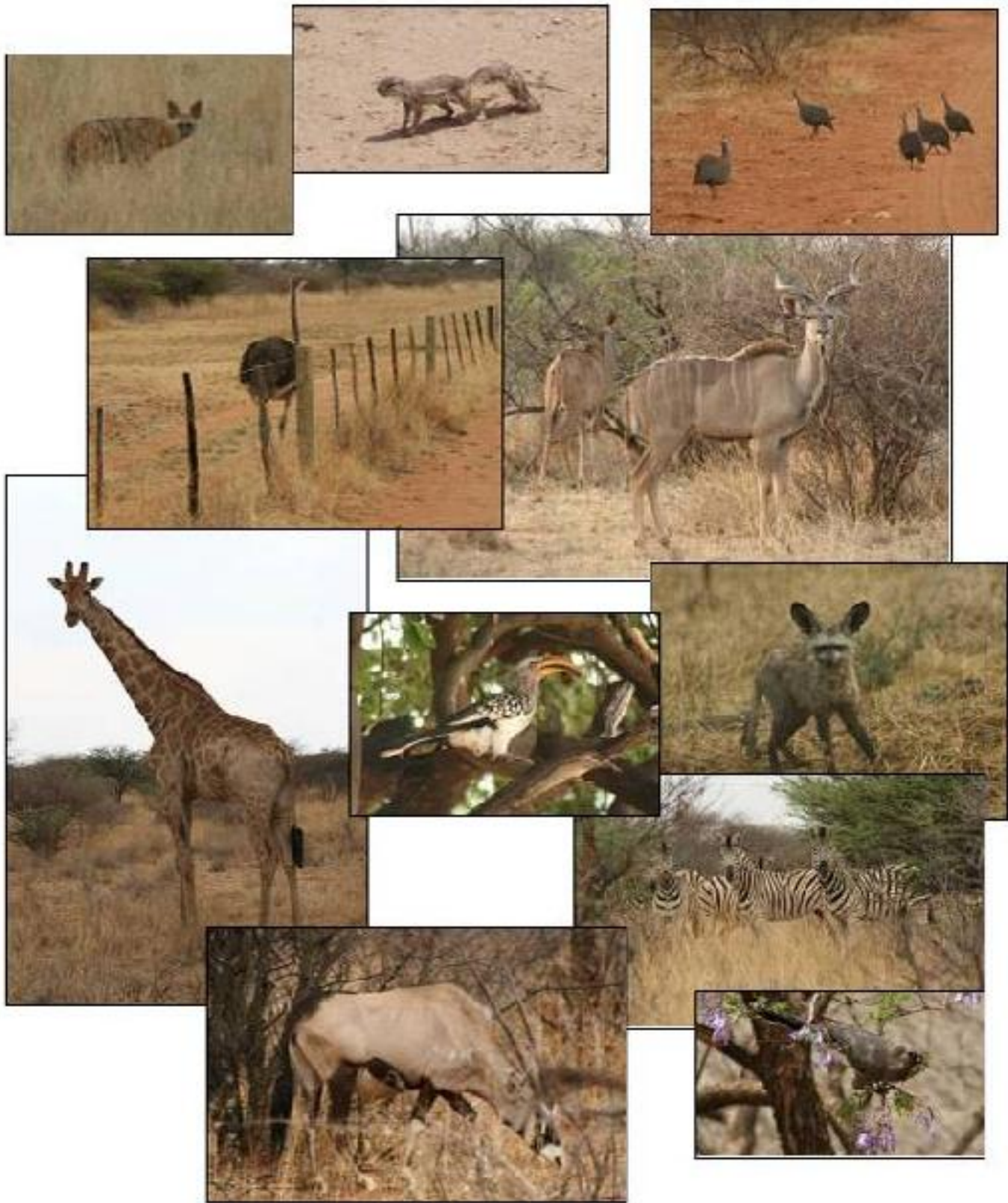
ساختمان اداری CCF

CCF در ۴۴ کیلومتری شهر Otjiwarongo که خود ۲۴۵ کیلومتر با پایتخت فاصله دارد، واقع گردیده است. این مرکز در سال ۱۹۹۰ توسط دکتر لاری مارکر و همکارانش تشکیل شده و هدف اصلی آن حفاظت از باقی مانده جمعیت های یوزپلنگ، احیاء زیستگاه های یوزپلنگ، درمان و نگهداری از یوزپلنگهایی که توانایی زندگی در طبیعت را ندارند، کاهش تعارض بین دامداران و یوزپلنگها و آموزش مردم محلی و انجام فعالیت های تحقیقاتی است. علت انتخاب نامیبیا از سوی خانم لاری مارکر برای ایجاد چنین مرکزی آن بود که این کشور جمعیتی بالغ بر ۲۵۰۰ قلاده یوزپلنگ را در خود داشته و از این حیث به پایتخت یوزپلنگهای دنیا معروف می باشد. مقر CCF در داخل یکی از قرقها قرار دارد. در این مرکز از حدود پنجاه یوزپلنگ در اسارت نگهداری می شود که یکی از جاذبه های توریستی برای بازدیدکنندگان متعددی است که از این مرکز هر روز بازدید می نمایند. نکته جالب آنست که افراد زیادی نیز به عنوان داوطلب از کشورهای مختلف برای کار و با پرداخت مبالغی به این مرکز می آیند. بسیاری از کارکنان خود CCF هم به صورت داوطلب در این مرکز مشغول به کار هستند و تنها معدودی از افراد حقوقی نه چندان بالا دریافت می

نمایند. اکثر غذاهای پروتئینی در این مرکز از گوشت حیوانات وحشی نظیر کودو و اوریکس تهیه می شوند که هر سه هفته یک بار و به صورت قانونی و با اخذ مجوز اجازه شکار یک کودو یا اوریکس رادارند.



شرکت کنندگان در دوره آموزشی بین المللی حفاظت از یوزپلنگ در کنار خانم مارکر و جویاکا



گونه های جانوری بارز اطراف مرکز CCF

از جمله فعالیتهای جالب توجهی که در مرکز CCF انجام می شود نگهداری و پرورش نوعی سگ گله موسوم به سگ گله آناتولی است که از ترکیه به این مرکز آورده و پرورش داده می شوند و در اختیار دامداران قرار می دهند. این سگها از زمان تولگی به همراه دامهای اهلی نظیر بز پرورش یافته و بزرگ می شوند. مزیت این سگها آنست که در صورت نزدیک شدن بوزپلنگ ها تنها پارس کرده و مانع نزدیک بوزپلنگ ها به گله های دام می شوند. در نتیجه، علاوه بر حفظ جمعیت های یوز مانع از وارد شدن خسارت به دامداران می شوند. خانم دکتر مارکر سگهای ایرانی را جهت محافظت از گله ها مناسب می دانست ولی سگهای بومی نامیبیا از لحاظ جثه کوچک بوده و توانایی حفاظت از گله ها را نداشته و همین امر باعث افزایش تعارض بین دامداران و گوشتخواران شده است.

در قسمتی از محوطه CCF لیست تمام اسپانسرهای این مرکز روی قابهای فلزی حک شده و همچنین عکس تمام افراد مهم و سرشناسی که از CCF بازدید کرده اند، نمایش داده شده است. به طور کلی بخش عمده درآمدهای این بنیاد از طریق اسپانسرها تامین می شود و چهره شناخته شده لاری مارکر که یکی از ستاره ها در زمینه حیات وحش در دنیا می باشد، نقش موثری در جذب این اسپانسرها دارد (بطور مثال تمام ساختمانهای CCF توسط یک میلیاردر آمریکایی ساخته شده است). موزه، سالن کنفرانس، آزمایشگاه، کتابخانه، اتاق های مربوط به جراحی حیوانات، محل های نگهداری گله های دام و سگ های گله و محل های اقامت کارکنان و افراد داوطلب از دیگر بخش های CCF است. البته لازم به ذکر است که محل اقامت افرادی که به نحوی برای آموزش و گذراندن دوره های مربوطه به این مرکز حفاظتی می آیند در محلی به نام Cheetah View واقع در بیست و دو کیلومتری مرکز اصلی CCF می باشد. اساساً NGO های زیست محیطی در نامیبیا و سایر کشورهای آفریقایی از لحاظ امکانات لازم جهت فعالیتهای تحقیقاتی نظیر خودرو و تجهیزات آزمایشگاهی از شرایط خوبی برخوردار هستند و زمانی که می فهمیدند NGO ها در ایران با چه شرایط و امکاناتی مشغول به کار هستند بسیار تعجب می کردند.

پوشش گیاهی اطراف CCF و دیگر قرقها عمدتاً شامل درختان آکاسیا می باشد که حالتی بیشه ای به آن بخشیده است. در بین این بیشه زارها نیز جانوران مختلفی زیست می کنند مانند: زرافه، شترمرغ، روباه گوش خفاشی، گوراسب، الاند، پلنگ، بوزپلنگ، کاراکال، شغال پشت سیاه، آردوولف (کوچکترین عضو خانواده کفتارها)، سنجاب زمینی، تشی، خدنگ نواری، کودو، اوریکس و گراز زگیل دار (Warthog)، استین باک، هارته بیست قرمز، سه نوع پرنده از خانواده هوبره با نامهای Kori Bustard (شبهه میش مرغ)، Northern Black Korhaan (شبهه زنگوله بال)، Red - Crested Korhaan (شبهه هوبره)، پرنده منقار شاخی (Hornbill)، مرغ شاخدار و غیره. در این منطقه کرگدن وجود نداشت ولی در مدت اقامت ما سه کرگدن سیاه را به اینجا منتقل کرده و رها سازی کردند.

همچنین در نزدیکی این مرکز منطقه ای به نام سرنگتی کوچک قرار دارد که شامل یک دشت وسیع با علف های بلند و در انتهای آن یک رشته کوه سنگی کم ارتفاع دیده می شود و انسان را ناخود آگاه به یاد پارک ملی سرنگتی در کشور تانزانیا می اندازد که البته وجه تسمیه این نام نیز به همین خاطر است. در این منطقه حدود پانصد اوریکس، سیصد و پنجاه هارته بیست، هشتاد اسپیرینگ باک و دویست و پنجاه گراز زگیل دار وجود دارد که همه این حیوانات متعلق به CCF هستند. در این منطقه می توان گله های بزرگ حیوانات را در فاصله ای نزدیک مشاهده کرد. در این دشت لانه های زیبای موربانه به تعداد زیاد مشاهده می شود. الاوند هم در این منطقه وجود دارد ولی دیدن آن مشکل است و به محض دیدن شدن به داخل بیشه زار فرار می کنند.



هارته بیست قرمز، اوریکس و کوری باستانرد در کنار تپه موربانه ها در سرنگتی کوچک

از جمله برنامه های جالب توجهی که در CCF اجرا می شود، برنامه دو یوزپلنگ Cheetah RUN (تصویر راست) است. بدین صورت که هر روز هشت صبح یوزها در یک زمین بزرگ به دنبال پارچه قرمز که توسط طناب و قرقره به حرکت در می آید می دوند تا از تحرک کافی برخوردار باشند و در هر بار تلاش یوزها به آنها به عنوان پاداش تکه ای گوشت می دهند (تا یوزها را بتوان برای بازگشت به طبیعت آماده کرد). این کار یکی از برنامه های جذاب این مرکز می باشد و هر روزه توریست های زیادی با



دوربین های خود ناظر این برنامه هستند.

هر روز حدود دو و نیم کیلو گوشت به یوزهای اسیر می دهند و اگر مشکل کبید نداشته باشند مکمل کلسیم به غذای آنها اضافه می کنند. همچنین یوز معروفی به نام چوپاکا در این مرکز نگهداری می شود که اولین یوزی است که به این مرکز آورده شده و به عنوان اولین سفیر یوزهای دنیا برای آموزش به مدارس برده می شود و در حال حاضر سیزده سال دارد.



غذا دادن به یوزپلنگها که یکی از برنامه های جذاب برای توریستهاست

برای سایر شرکت کنندگان در این دوره این مطلب که یوزهای ایران از لحاظ رفتار و زیستگاه با یوزپلنگ آفریقایی کاملا متفاوت بوده و بر خلاف یوز آفریقایی که ساکن دشت هاست، در مناطق کوهستانی زیست می کند جالب بود.



گاهی اوقات جانوران بزرگ حته برای عبور از فنیسها دچار مشکل می شوند، مانند الانداهای بزرگ حته

از اتفاقات دیگر در طول مدت اقامت در CCF خبر به تله افتادن یک یوز ماده به همراه چهار توله در مزرعه رئیس جمهور سابق نامیبیا بود. این مزرعه تا شهر Otjiwarongo یک ساعت فاصله داشته و بسیار وسیع بود. یوز مادر به همراه دو توله اش در داخل تله گرفتار بودند و دو توله دیگر نیز هنوز در خارج قفس بودند. صاحب مزرعه تمایلی به حضور یوزها در مزرعه اش نداشت و آن را با تله گرفتار و از مسئولین CCF خواسته بود که یوزها را از این منطقه به جای دیگر منتقل کنند. مشکل اصلی به دام انداختن دو توله خارج از قفس بود. برای این کار تله ای در کنار تله مادر کار گذاشتند و بعد از دو، سه روز موفق شدند این دو توله را به تله انداخته و به مرکز CCF منتقل کنند. در مدت حضور ما مجموعا ۹ یوز بیهوش و آزمایش های مختلف بروی آنها صورت گرفت. این ۹ یوز شامل (یوز مادر با چهار توله اش) یک یوز نر که در تله ای به مدت یک ماه بدون غذا گرفتار بوده و بسیار لاغر و ضعیف شده بود و سه یوز جوان یکساله. بعد از بیهوشی یوزها توزین و بیومتری شده، نمونه خون و بافت برای آزمایشهای ژنتیکی گرفته

شده و آندوسکوپي انجام مي شد. البته در مورد توله يوزها بیهوشي صورت نگرفت. يوزهاي جوان یکساله بين بیست و هفت تا بیست و نه كيلو وزن داشتند. در طول مدت بیهوشي دمائي بدن حيوان هرده دقیقه ثبت مي شد و دستگاههاي اکسیژن به حيوان متصل بود. بعد از انجام آزمایشات با تزریق یک یک سوزن حیوان در مدت یک و نیم دقیقه به هوش مي آید.



انجام بررسی های ژنتیکی و دامپزشکی در آزمایشگاه های مجهز CCF

دکتر Axle Hartman یکی از متخصصین بیهوشي یوزپلنگها و دیگر جانوراني بود که به این مرکز آورده مي شدند. او اصولاً يك دامپزشك با تجربه بود که در زمینه کار با انواع وسائیل بیهوشي از جمله دارتها و تفنگهاي بیهوش کننده جانوران نیز تخصص زیادی داشت. او که تا به حال تنها چهار هزار گربه را بیهوش کرده بود، نسبت به بیهوشي گرگها بسیار علاقه نشان مي داد و در ضمن صحبتهايش متوجه شدیم تمایل شدیدی براي سفر به ایران دارد.

در طول این دوره علاوه بر آموزشهاي تئوري در زمینه حیات وحش، یوزپلنگ و حفاظت از آن، يك سري فعالیتهای میدانی به منظور تمرین و یادگیری هرچه بیشتر آموزشهاي تئوري و نیز آموزش روش های سریع مطالعه یک منطقه وجود داشت. از این رو، برای انجام یک برنامه مطالعاتی به منطقه ای بنام Anabeb واقع در شمال غرب نامیبیا و در فاصله چهارصد کیلومتری شهر Otjiwarongo اعزام شدیم. منطقه Anabeb یکی از قرقهای است که توسط جوامع محلی حفاظت مي شود. در این منطقه علاوه بر حیواناتی که قبلاً ذکر شد شیر و پلنگ، فیل، کرگدن، گورخرکوهی و خرگوش کوهی Hyrax هم دیده مي شود. گفته مي شود که گراز عاج دار به علت سخت بودن خاک و سنگلاخی بودن در این منطقه وجود ندارد.

منطقه Anabeb منطقه ای کوهستانی بوده و در بعضی نقاط کوه های بسیار سخت و صعب العبور دیده مي شود و از لحاظ توپوگرافی ایران را در ذهن تداعی مي کرد. در این منطقه محل های کمپینگ متعددی جهت اتراق مسافران وجود دارد که یکی از راه های کسب درآمد محلی مي باشد. این منطقه از لحاظ پوشش گیاهی تنوع بیشتری نسبت به مناطقی که قبلاً مشاهده کرده بودیم داشت. گیاهانی مانند نخل، گز،

انواعی از درختان آکاسیا (با نام علمی Mopane) که شباهت زیادی به بنه یا پسته وحشی دارد اما با برگهایی بسیار متفاوت و شبیه به سم اریکس و همچنین گیاه بومادران که در ایران هم دیده می شود. یک روز از سفر به مصاحبه با مردم محلی و روز دوم به روش های برآورد جمعیت و سنجش وضعیت پوشش گیاهی منطقه اختصاص داشت. روستاها در این منطقه بسیار کوچک و معمولاً شامل چند خانه محقر بود و شکم های ورم کرده بچه ها نشان از سوء تغذیه و شرایط بد زندگی داشت. گله های دام در نامیبیا بیشتر شامل گاو و بز بوده و گوسفند کمتر به چشم می خورد. در منطقه Anabeb زنانی از قوم Himba نیز مشاهده می شوند که بدن های خود را با گلی قرمز رنگ آغشته نموده و موهای خود را با مالیدن گل تزئین می کنند و معتقدند علاوه بر زیبایی، دافع حشرات می باشد. زنان این قوم دوره گرد بوده و در روستاها به کارهای موقتی چون شیردوشی می پردازند. گاهی اوقات نیز با توریستها عکس انداخته و بابت این کار پول می گیرند.

در طول مدت اقامت در Anabeb، از هیزمهای خاصی به نام Bushblok برای درست کردن آتش استفاده می شد. زیستگاه های بوزپلنگ در نامیبیا به دلیل چرای بی رویه از علفزار به درختزار با گونه های خاردار تبدیل شده بود و همین امر باعث آسیب به چشمهای بوزها شده است. از این رو CCF شرکتی تأسیس نموده تا با بریدن این درختان و تبدیل آنها به نوع مناسبی از هیزم، از یک سو زیستگاه بوزپلنگ را احیا نماید و از سوی دیگر باعث درآمدزایی و اشتغال زایی گردد. اینجاست که از خود می پرسیدیم چرا در ایران کمتر رابطه ای میان علم و صنعت وجود دارد؟!

در Anabeb علی رغم حضور جانورانی چون شیر، فیل و پلنگ و گفتار قهوه ای دیدن آنها چندان آسان نبوده و فقط آثار ردپای آنها مشاهده می شود. این منطقه ۱۵۷ هزار هکتار وسعت دارد و در سال ۲۰۰۲ جزو قرقها ثبت شده است. شکار در قرقهای نامیبیا به دو صورت انجام می گیرد: شکار برای گوشت توسط جوامع محلی و شکار تروفه توسط شکارچیان خارجی. هر ساله دولت نامیبیا با بهره گیری از آخرین فناوری و روشها اقدام به سرشماری قرقها نموده و بر این اساس به هر قرق، سهمیه ای برای هر دو نوع شکار می دهد. شکار برای مصرف مردم توسط محیط بانان هر قرق صورت گرفته و مردم نیز براساس جمعیت خانوار و مرتبه اجتماعی، سهمیه دریافت می کنند. هیچکس حق فروش گوشت شکار را نداشته ولی پوست و شاخ شکارها را می توانند بفروشند. دوازده کرگدن در این منطقه وجود دارد ولی کسی آنها را نمی کشد، زیرا پنج حیوان بزرگ (فیل، شیر، کرگدن، بوفالو و پلنگ) جریمه های سنگینی دارند. آمار شکار های انجام شده در یک سال در این منطقه به شرح زیر می باشد:

الف) شکار برای گوشت:

ردیف	گونه	قیمت (دلار نامیبیا)	تعداد پروانه
۱	اسپرینگ باک	۳۰۰۰	۲۸۴
۲	زبرا	۲۱۶۰	۵۴
۳	اوریکس	۳۵۸۰	۵
۴	شترمرغ	۲۰۰	۹۰

ب) شکار برای تروفه:

ردیف	گونه	قیمت (دلار نامیبیا)	تعداد پروانه
۱	اسپرینگ باک	۳۰۰۰	۱۶
۲	زبرا	۲۱۶۰	۱۶
۳	اوریکس	۳۵۸۰	۵
۴	شترمرغ	۲۰۰	۱۶
۵	زرافه	؟	۱
۶	فیل	۸۰۰۰۰-۹۰۰۰۰	۱
۷	شیر	۵۹۰۰۰	۱
۸	پلنگ	۲۰۰۰۰	۱
۹	یوزپلنگ	؟	۱



شکار تروفه مهمترین راه درآمدزایی قرقهاست (این عکس از روی عکس دیگری گرفته شده است)

درآمد حاصل از این شکارها و همچنین محصولات فرعی نظیر پوست و شاخ صرف حفاظت، آموزش، واکسیناسیون و جبران خسارت دام های اهلی می شود. بخشی از تلفات دام های اهلی در نتیجه حمله طعمه خواران نیز توسط اداره حفاظت قرق جبران می شوند. هر حمله به دام اهلی توسط طعمه خواران باید ظرف سه روز گزارش شود تا اداره حفاظت

قرق جبران کند. البته برای هر بز تا بیست و پنج هزار تومان، گوسفند پانزده هزار تومان و گاو تا هشتاد هزار تومان جبران می شود که خیلی کمتر از بهای واقعی آنهاست. در واقع تنها حربه ای که طعمه خوارانی مانند شیر، پلنگ و یوزپلنگ را حفظ می کند امید به شکار تروفه آنها از یک سو و دریافت بخشی از خسارت آنها به دامهای اهلی است.



۲ اوریکس که در کنار یک کمپ نورستانی در وسط قرق در کمال آرامش می چرند: اوج امنیت

جالب ترین بخش سفر و البته شاید بتوان گفت دوست داشتنی ترین بخش آن بازدید از پارک ملی اتوشا بود. اتوشا (به معنی درخشان) از جمله معروف ترین پارکهای وحش در قاره آفریقا است. این پارک در شمال نامیبیا قرار داشته و وسعت اولیه اتوشا ۹ میلیون هکتار بوده که آنرا در زمان خود به بزرگترین پارک ملی دنیا بدل نموده بود. در سال ۱۹۷۰ وسعت پارک کاهش پیدا کرده و در حال حاضر ۲/۲ میلیون هکتار وسعت دارد، یعنی ۱/۵ برابر بزرگترین منطقه حفاظت شده ایران! اتوشا صد و یک سال سابقه حفاظت دارد (از سال ۱۹۰۷). در سال ۲۰۰۷ جشن صد سالگی آن برگزار شده است و در سال ۱۹۶۷ عنوان پارک ملی را دریافت کرده است. شهرت اتوشا بیشتر به خاطر شیرهای آن می باشد. ۱۱۴ گونه پستاندار، ۲۸۰ گونه پرنده و یک گونه ماهی در اتوشا زیست می کند بارش سالیانه در اتوشا بین ۳۰۰-۵۰۰ میلی متر بوده و ۸۰۰ گونه گیاهی در اتوشا وجود دارد. در سال ۱۹۰۷ و در آغاز فعالیت های حفاظتی، فیل، شیر و کرگدن در اتوشا وجود نداشته است. شیر در سال ۱۹۱۲ به پارک آورده شده است. کرگدن سیاه و فیل نیز در سال ۱۹۴۶ به پارک بازگردانده شده اند و در سال ۱۹۹۵ کرگدن سفید به این پارک آورده شده است. در حال حاضر ۲۵۰۰ فیل در اتوشا وجود دارد.

پارک ملی اتوشا صاحب بالاترین جمعیت کرگدن سیاه در جهان می باشد. در سال ۱۹۴۶ اولین تورهایی سیاحتی برای بازدید از حیات وحش به اتوشا آمده اند و در سال ۱۹۵۵ کمپ Okaukuejo ایجاد شده، در پی آن در سال ۱۹۵۷ کمپ Namutoni ایجاد شده و کمپ Halali، ده سال بعد یعنی در سال ۱۹۶۷ ایجاد شده است.

قیمت بلیط ورودی به پارک برای نامیبیایی ها ۵۰ دلار نامیبیا، برای سایر آفریقایی ها ۶۰ دلار و توریستهایی که از دیگر کشورها می آیند ۸۰ دلار نامیبیا می باشد. شما تنها می توانید با خریدن یک بلیط وارد پارک شده و با خودرو خود و با در دست داشتن یک نقشه راهنما از نقاط مختلف پارک دیدن نمایید. برخلاف مناطق خودمان که بازدید از یک منطقه به روزها مکاتبه و رفت و آمد و گذشتن از هفت خوان رستم نیازمند است. بر روی بلیط ها برخی از نکاتی را که در اتوشا باید رعایت شوند، نوشته شده است. مثلاً :

خارج از جاده های توریستی نباید رانندگی شود. سرعت اتومبیل نباید از ۵۰ کیلومتر بیشتر باشد. در داخل پارک نباید از ماشین پیاده شوید و یا برای دید بهتر روی سقف اتومبیل ننشینید. سکوت در داخل پارک رعایت شود. رادیو و سیستم های صوتی فقط در کمپ قابل استفاده است. از پرتاب اشیاء به بیرون خودداری کنید. حمل اسلحه در داخل پارک ممنوع است. نباید هیچ حیوانی را بکشید، صدمه بزنید یا زخمی کنید. آتش درست کردن فقط در داخل اجاق های تعبیه شده امکان پذیر است. در کمپ Okaukuejo که یکی از مهمترین مراکز بازدیدکنندگان پارک است، فروشگاه های عرضه مواد غذایی، پوشاک و صنایع دستی وجود داشته و کتاب و نقشه های مربوط به پارک، حیات وحش و کشور نامیبیا به فروش می رسد. برج چند طبقه ای در این کمپ وجود دارد که از فراز آن مناظر زیبای اطراف قابل مشاهده است. موزه، پمپ بنزین، تعمیرگاه خودروها، رستوران، استخر، از بخش های دیگر این کمپ است. در رستوران اتوشا گوشت انواع جانوران این منطقه از قبیل کودو، اسپرینگ باک و ایمپالا سرو میشود (که البته به صورت قانونی شکار شده اند). ویلاهای بسیار زیبا و با معماری سنتی نامیبیا در کمپ برای اقامت توریست ها و بازدیدکنندگان پارک وجود دارد. همچنین محل هایی برای برپایی چادر در داخل این کمپ اختصاص داده شده است عده ای هم با ماشینهای مجهز که دارای همه امکانات لازم برای اقامت در چنین مکان هایی است به این کمپ آمده اند. هزینه اجاره یک قطعه زمین برای برپا نمودن چادر با امکانات یک باریکیو، یک شیرآب و یک پریز برق برای یک شب حدود ۲۰ دلار آمریکا بود!



مشاهده فیل و کرگدن سیاه در یک مکان در پارک ملی اتوشا؛ کرگدنها از فیلها گریزانند!

پوشش گیاهی در قسمت های مختلف پارک متفاوت است. در قسمت های پوشش گیاهی استپی با بوته های کوچک (بسیار شبیه بیابان های خودمان) و در بخش هایی بوته هایی شبیه به بوته های گون و در جایی علفزار های بلند و بخش هایی شامل بیشه زارها و جنگل های آکاسیا است. اما در کل پارک ملی اتوشا خشک بوده و بخصوص در مرکز این پارک که منطقه وسیع و بی آب و علفی به نام Etosha Pan وجود دارد. در علفزارها می توان گله هایی از اسپیرینگ باک، گورخر، ویلده بیست و اوریکس را مشاهده کرد که به آرامی در حال چرا هستند و گاهی چنان فاصله نزدیک است که به سختی داخل کادر دوربین جا می گیرند. تعداد برخی از این جانوران نظیر اسپیرینگ باکها چنان زیاد است که نمی توان یک چشم انداز تنها را از دشت داشت. در اطراف آبگیرها هم زرافه ها، گورخر و اسپیرینگ باک ها در کنار هم مشغول نوشیدن آب هستند. در اتوشا تعدادی آبگیر وجود دارد که مرکز تجمع جانوران به شمار می روند و می توان تعداد کثیری از انواع مختلف را یک جا و در کنار هم دید. در داخل بیشه زارها می توان ایمپالا و گاهی اوقات کودو و استین باک (نوعی آنتیلوپ بسیار کوچک و شبیه شوکا) را دید. اگر خوش شناس باشید هم می توانید زرافه ای را در حال عبور از وسط جاده مشاهده کنید.

در مجاورت کمپ Okaukuejo یک آبگیر قرار دارد که در فاصله ۳۰-۴۰ متری آن صندلی هایی را برای نشستن بازدیدکنندگان و نورافکن هایی را برای روشن نمودن آبگیر در شب تعبیه شده و ده ها نفر در سکوت کامل مشغول مشاهده، عکاسی و فیلمبرداری از حیواناتی هستند که برای نوشیدن آب به این آبگیر می آیند. از جمله جانورانی که در کنار این

آبشخور مشاهده شدند می توان به کرگدن سیاه، فیل، کفتار خالدار، گورخر و شغال پشت سیاه اشاره کرد.

سردر ورودی،
مرکز بازدیدکنندگان و
مؤسسه مطالعات اکولوژیک
پارک ملی اتوشا





مشاهده شیرها در اتوشا اوج لذت بازدید از این پارک است



زیراهای یورجل در اتوشا به فراوانی دیده می شوند



ویله بیستها در Etosha Pan



زرافه ها حین نوشیدن آب و نگهداری برای شیرها



اوریکس، نماد نامبیا



آنتلوب کوچک جنه استین باک



اسپرینگ باکها یکی از مهمترین طعمه های یوزها در اوشا



کفتار خالدار سر گودال آب، نگران از نزدیک شدن شیرها

باتوجه به تجربه کشورهای آفریقایی همچون نامیبیا در زمینه اکوتوریسم، حفاظت از حیات وحش و فعالیتهای تحقیقاتی و تجربه های CCF در حفاظت از یوزپلنگ، در این سفر اطلاعات مفیدی در زمینه های یادشده و راهکارهایی جهت حل مشکلات پیش روی حیات وحش در اختیار شرکت کنندگان در این دوره آموزشی قرارگرفت که قابل استفاده و اجرا درکشورمان می باشد. از دیگر دستاوردهای این سفر می توان به ارائه پیشنهاد روزجهانی یوزپلنگ از سوی انجمن یوزپلنگ ایرانی بود که با استقبال دکتر مارکر و سایر شرکت کنندگان مواجه شد (لازم به ذکر است که درایران نهم شهریور روز حفاظت از یوزپلنگ آسیایی نامگذاری شده است).

سرانجام در روز ۲۴ آبانماه این دوره آموزشی به پایان رسید. مراسم اختتامیه در Arrebusch (نزدیک پایتخت) برگزار و مدارک پایان دوره به شرکت کنندگان اهداء شد و شرکت کنندگان با کوله باری از تجربیات متعدد پس از یک ماه به کشورهای خود بازگشتند.

در این سفر، انجمن یوزپلنگ ایرانی حضوری پررنگ داشت و باعث گردید توانمندی های پرسنل این انجمن برای انجام فعالیتهای پژوهشی و آموزشی در زمینه حیات وحش، بخصوص یوزپلنگ ارتقای چشمگیری داشته باشد. درحال حاضر، از این توانمندی ها برای ارتقای مطالعات میدانی که توسط پرسنل انجمن صورت می گیرد، بهره گرفته شده و امید است تا در آینده نزدیک، شاهد دستاوردهای کارآمد آنها باشیم.



تمامی تصاویر موجود در این گزارش توسط تیم اعزامی انجمن یوزپلنگ ایرانی گرفته شده است.